

## تحلیلی بر ماهیت تجربه هنری و زیبایی‌شناسی آثار هنری در عصر دیجیتال با رویکردی بر مدیریت آموزشی در دبیرستان‌های شهر بندرعباس

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۳

کد مقاله: ۸۸۱۵۷

بابک دهقانی\*، علی پریور<sup>۲</sup>

### چکیده

زیبایی‌شناسی از قدیم مفهومی فلسفی برای درک هنر بوده است اما در عصر دیجیتال با مفاهیم مختلف فلسفی، روانشناسی و جامعه‌شناسی همراه شده است. فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی در عصر دیجیتال به علت تغییراتی که به واسطه گسترش فناوری تغییر کرده است، لذا تأثیر آن در مدیریت آموزشی شروع توجه به زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک شاخه از فلسفه و با مفهومی مدرن را باید در نظریات کانت<sup>۳</sup> جستجو کرد. پس از او اندیشمندان عصر مدرن به زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک شاخه از فلسفه پرداختند. فلسفه پست‌مدرن هم در زمینه زیبایی‌شناسی دست به بازتعریف‌هایی زد. هدف این پژوهش؛ تبیین ماهیت زیبایی‌شناسی و تجربه هنری در دوران شکوفایی فناوری دیجیتال با رویکردی بر مدیریت آموزشی در دبیرستان‌های شهر بندرعباس است. در این پژوهش مروری بر نظریات مختلف در رابطه با فناوری انجام شده و بخش‌هایی از نظریات فلاسفه در رابطه با زیبایی‌شناسی و مدیریت آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. بنیامین<sup>۴</sup> به هنر در دوران شکوفایی فناوری توجه کرده است. به عقیده او کارکرد هنر با بروز امکان تکثیرپذیری مکانیکی تغییر کرده است. نیل پستمن<sup>۵</sup> به وضعیت انسان در دوران سلطه فناوری‌ها پرداخته است او فرهنگ این دوران را فرهنگ تکنوبولی نامیده و معتقد است در این دوران انسان‌ها مقهور فناوری‌ها هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در این عصر از یک‌طرف اثر هنری کارکردهایی متفاوت یافته و بجای کارکردهای آیینی؛ اکنون کارکردهای نمایشی دارد؛ اما از سوی دیگر تأثیرگذاری هنر در این تکثیر بیش‌ازحد نبود می‌شوند. لذا تأثیر آن بر مدیریت آموزشی دو چندان می‌گردد. در این عصر هم‌زمان که جامعه مقهور تسلط فناوری است این تسلط و تأثیر بر تجربه‌های هنری تأثیرگذار بوده است. لذا امکان دارد دانش‌آموز هنرمند تحت سلطه فناوری دست به تولید آثار هنری بزند.

واژگان کلیدی: عصر دیجیتال، زیبایی‌شناسی، تجربه هنری، مدیریت آموزشی، والتر بنیامین، نیل پستمن

۱- مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز علمی کاربردی جهاد دانشگاهی بندرعباس (tarikhtheater@gmail.com)

۲- کارشناس ارشد رشته مدیریت، اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس

دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز آموزش علمی کاربردی جهاد دانشگاهی بندرعباس

University of Applied Science and Technology, Bandar Abbas ACECR Center, Iran

3- Kant

4- Beniyamin

5- Nil postman

## ۱- مقدمه

هنر موضوعی است که از ابتدای تاریخ فلسفه مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه قرار گرفته است. در طول تاریخ فلسفه با تغییر جنبه‌های مختلف زندگی انسانی و به فراخور بروز نحله‌های مختلف فلسفی تغییرات زیادی در نظریات زیبایی‌شناسی به وجود آمده است. در فلسفه کلاسیک بیشتر به مبحث تقلید هنرمندان از طبیعت پرداخته شد اما در قرن نوزدهم با شروع اندیشه‌های مدرن نظریه‌های مدرن هنرهای زیبا و علم زیبایی، تجربه‌های هنری و هنرمندان را تحت تأثیر قرار داده است. بعدازآن هم اندیشمندان پست‌مدرن از این حوزه غافل نشده‌اند.

در مباحث زیبایی‌شناسی فیلسوفان مختلف به پژوهش نظری درباره هنر و تجربه هنری پرداخته و نسبت آن با درک و ارتباط بین اثر هنری و دانش‌آموز را به چالش کشیده‌اند. چپستی زیبایی و نحوه‌ی درک دانش‌آموز از مفهوم زیبایی و نیز تحلیل سطوح متفاوت با در نظر گرفتن گونه‌های زیبایی و تأثیر زیبایی بر آن، به‌مثابه فرد و جامعه است. تجربه زیباشناختی و هنر تجربه‌ای خوشایند و تأثیرگذار است و در زندگی فردی و اجتماعی باعث بروز تأثیرات خاصی در دانش‌آموزان می‌شود. هنرمندان در طول تاریخ همیشه با تغییرات اجتماعی همراه بوده‌اند. از جمله این تغییرات اجتماعی تغییراتی است که در زمینه فناوری‌ها به وجود می‌آید که امروزه در تکنولوژی آموزشی تأثیر بسزایی دارد. تغییر در فناوری‌های آموزشی از دو جنبه بر هنر تأثیر می‌گذارد یکی از جنبه تکنیکی که با فناوری در دسترس هنرمند قرار می‌گیرد و دیگری از جنبه تغییرات اجتماعی که بر اثر فناوری آموزشی ایجاد می‌شود در این تحقیق قرار است تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر نظریه‌های زیبایی‌شناسی معاصر با رویکردی بر مدیریت آموزشی در دبیرستان‌های شهر بندرعباس مورد توجه قرار بگیرد.

## ۲- بیان مسئله

در مباحث زیبایی‌شناسی فیلسوفان مختلف به پژوهش نظری درباره هنر و تجربه هنری پرداخته و نسبت آن با درک و ارتباط بین اثر هنری و مخاطب را به چالش کشیده‌اند. چپستی زیبایی و نحوه‌ی درک انسان از مفهوم زیبایی و نیز تحلیل سطوح متفاوت با در نظر گرفتن گونه‌های زیبایی و تأثیر زیبایی بر انسان به مثابه فرد و جامعه است. تجربه زیباشناختی و هنر تجربه‌های خوشایند و تأثیرگذار است و در زندگی فردی و اجتماعی باعث بروز تأثیرات خاصی می‌گردد که افلاطون در رساله‌های جمهوری و تیمائوس درباره آن، تئوری معروف محاکات از طبیعت را عنوان کرده است. ارسطو نیز با رویکردی تحلیلی بدان پرداخته و زیبایی را بیشتر بر پایه‌ی مفاهیمی همچون نظم، هماهنگی، موزونیت، تناسب، تقارن، اندازه‌گیری و تعریف کرده است و حتی در تشریح مطلب به نظم و اندازه‌گیری در دانش ریاضی اشاره کرده است. در نگاهی امروزی تر در منظر کانت، حکم زیبایی‌شناسی اصطلاحی است که در کنار دیگر امور ذهنی یعنی امر مطلوب، امر خیر و امر والا، به قضاوت درباره‌ی امر زیبا می‌پردازد و به این ترتیب کانت امر زیبا را حکمی ذهنی، کلی، پیشاشناختی، بی‌غرض و خود غایت معرفی کرده است فؤاد نجم الدین در مقاله تبیین تجزیه زیبایی‌شناسی (نجم الدین، ۱۳۹۱: ۴۵) آورده است که نوئل کارول در بررسی تعاریف موجود از تجربه‌ی زیبایی‌شناسی متأثر از وی به سه رویکرد کلی اشاره دارد که هر یک به بخشی از حکم زیبایی‌شناسی کانت وابسته است: ۱- محوریت تأثر که لذت یا رضامندی بی‌غرض را اساس تعریف تجربه‌ی زیبایی‌شناسی قرار می‌دهد. به این معنا که تجربه‌ی زیبایی‌شناسی حاصل لذت بی‌غرضانه‌ی است که در رویارویی با امر زیبا حاصل می‌شود. ۲- محوریت اصل موضوعی خود غایت بودن امر زیبا و به تبع آن تجربه‌ی زیبایی‌شناسی. به این معنا که تجربه‌ی زیبایی‌شناسی است که یا غایتی جز خود تجربه نداشته باشد و یا اساس ارزش آن امری درونی باشد. ۳- محوریت مضمون و محتوای امر زیبا به‌عنوان منشأ تجربه‌ی زیبایی‌شناسی. به این معنا که تجربه‌ی زیبایی‌شناسی حاصل رویارویی انسان با کیفیات زیبایی‌شناسی اثر، یعنی فرم (معنادار به تعبیر کلاپو بل) بیان و بازنمود زیبایی‌شناسی است.

«زیبایی‌شناسی فقط به اینکه چه چیزی در هنر زیباست نمی‌پردازد. بلکه می‌کوشد سرچشمه‌های حساسیت آدمی به صور هنری و ارتباط هنر با سایر عرصه‌های فرهنگ را کشف کند. توضیح واکنش انسان نسبت به زیبایی و هنر - توصیف این واژه‌ها - تبیین چگونگی دریافت پدیده‌های زیبا و هنری توسط انسان. توضیح کیفیت‌ها و راه‌های تجربه انسان در برابر یک شیء زیبا یا اثر هنری تعیین اینکه مفاهیم زیبایی و هنر معانی دیگری جز معنای ذهنی دارند یا نه همگی از مباحث زیبایی‌شناسی به شمار می‌آیند» (پاکباز، ۱۳۸۵: ۲۸۷) امروزه با شکل‌گیری چند رسانه‌ای‌ها با ترکیب صدا، نور، حرکت و تصویر به کمک رایانه‌ها و امکان ایجاد حرکت در فضا با استفاده از ابزارهای مکانیکی، الکتریکی و الکترونیکی، هم‌زمان با خلق آثار هنری با شیوه‌ها و تکنیک‌های سنتی خاص هر شاخه هنری، مرز دقیق میان قالب‌های بیان هنری از میان‌رفته و ارتباط رسانه‌های متفاوت یا ترکیب آن‌ها چنان است که ناگزیریم بسیاری از آثار امروزی را به‌جای نامیدن با نام هنری خاص (مثلاً اثر نقاشی، عکس، گرافیک و غیره) زیر عنوان کلی هنر دیداری تجسمی (Visual Arts) طبقه‌بندی کنیم؛ هم‌اکنون خلق هزاران و شاید بینهایت از خطوط و اشکال مبتنی بر الگوریتم در سامانه‌های دیجیتالی میسر است. امروزه تصاویر دوبعدی و سه‌بعدی دیجیتال بخش زیادی از تولیدات هنری جهان

هستند. چندرسانه‌ای‌ها در واقع از مهم‌ترین فضاهای مجازی دنیای دیجیتال هستند و فضای بصری این رسانه جدید نسبت به دیگر فضاهای هنری امروز پرمصرف‌تر است زیرا امکان دسترسی و به‌روز شدن اطلاعات در این فضاها نامحدود است. همچنین هنرمند از طریق فضاهای دیجیتالی امکان ارتباط بیشتری با مخاطب پیدا کرده است به این دلیل که می‌تواند از یک اثر هنری دیجیتال نسخه‌های متعددی تولید و منتشر کند. به این ترتیب در جامعه در حال گذار و با شروع عصر اطلاعات و ارتباطات جهانی و پیشرفت بی‌سابقه‌ی فن‌آوری‌های اطلاعات مناسبات میان بازار دانش و هنر دچار دگرگونی‌های بزرگی شده است.

مسئله حائز اهمیت این است که با افزایش فضاهای ارتباط جهانی تبادل انبوه اطلاعات میان انسان‌ها و فرهنگ‌ها تبدیل به امری فراگیر و روزمره شده است این وضعیت جدید شرایط ذهنی و فرهنگی دائماً متغیر و پویایی را پدید آورده است. در چنین شرایطی، مجموعه‌ی ارزش‌ها و باورها چه در فرد و چه در جامعه‌ی معین و نیز جامعه‌ی جهانی دستخوش نسبیّت و دگرگونی دائمی است و مهم‌تر این که پیش‌بینی تغییر بعدی و راهبرد آن نیز ناممکن شده است. به این ترتیب برخی متفکرین و هنرمندان درباره‌ی تعریف ناپذیری هنر، از درون‌مایه‌ی متغیر و بی‌انسجام ماهیت زیبایی‌شناسی و نسبیّت و چندگانگی نقد هنری سخن می‌گویند و به نظر می‌رسد نشانه‌های هویت هنر بسیار گوناگون‌تر از آن است که در تعریف یا قواعد سبکی معین بگنجد. حتی بعضی معتقدند تعریف‌های قبلی از مفهوم فلسفی هنر و ماهیت زیبایی‌شناسی، دیگر هم‌سویی و سازگاری لازم را با ویژگی‌های جهان دگرگون شده را ندارد؛ اما برخی عنوان می‌کنند که در شیوه‌های دیجیتالی فرهنگ سرمایه‌داری، هنر را به ابتذال می‌کشاند و آن را وابسته به نگاه‌ها و فرهنگ‌های اقتصادی، بازاری می‌نماید. به این ترتیب اثر هنری را به کالایی بدل می‌کند که دیگر آن ارزش‌های قبل را ندارد همچنین امکان قابلیت تکثیر آثار دیجیتالی در برابر منحصر به فرد بودن آثار هنری سنتی باعث می‌شود از بین رفتن یگانگی اثر هنری می‌گردد؛ اما باید توجه داشت عصر پسرانسانه‌ای عصری است با تمام ابعاد و تبعات فناورانه‌اش که ماندگاری در این عصر با برقراری ارتباط و توانایی برخورداری از فناوری بستگی مستقیم دارد. هنر امروزی تحت تأثیر فرایندهای جهانی و رسانه‌ها و دیجیتالیزم است. این تأثیرات شامل رسانه‌های شدن فرهنگ و گسترش فناورهای ارتباطی جدید، توسعه اینترنت و ماهواره‌هاست. مورد دیگر تأثیر توانایی‌ها و امکانات نرم‌افزار بر گسترش نگاه و خلاقیت هنرمند است به این ترتیب که هنرمند با این امکانات جدید امکان بروز خلاقیت بیشتری دارد اما در همین حین این بدیهی است فن‌های موجود بر ذهنیت و بیان هنری اثرگذار خواهند بود. حال با توجه به آنچه ذکر شد این پرسش پیش می‌آید که چه تغییری در رویکرد مباحث نظری مربوط به زیبایی‌شناسی و تجربه هنری به وجود می‌آید که هنر دیجیتال از آن بهره گرفته و با نفوذ فناوری دیجیتال در بین هنرمندان فرایند خلق آثار هنری متأثر از چه مبانی و مبادی است.

### ۳- اهمیت موضوع

تجربه هنری متفاوت در دوره‌های مختلف تحت تأثیر ساختار خود تجربه‌های زیستی در آن عصر است، به بیان دیگر در طی ادوار طولانی تاریخی، روال ادراک حسی انسان همراه با کل شیوه‌ی هستی جامعه‌ی بشری تغییر کرده است. فن‌آوری‌های جدید راه‌هایی را برای اندیشیدن به تاریخ هنر و فلسفه‌ی هنر به روی ما گشوده‌اند. همواره در طول تاریخ، فیلسوفان هنر سعی داشته تعریفی برای هنر و کارکرد آن اثر هنری ارائه بدهند؛ اما آنچه ما به آن توجه می‌کنیم ماهیت تجربه‌ی هنری در جهان معاصر است. در نتیجه با ورود فناوری‌های جدید، جریانی از زیبایی‌شناسی در آثار هنری نمود پیدا کرده است که حاصل تجربه‌ی تاریخی و اجتماعی عصر کنونی است.

### ۴- اهداف تحقیق

- بررسی تأثیر عصر دیجیتال بر ماهیت زیبایی‌شناسی مبتنی بر آن در بین دانش‌آموزان دبیرستانی
- تبیین جایگاه فناوری ابزاری در فرایند خلق اثر هنری در مدارس متوسطه دوم
- مقایسه زیبایی‌شناسی و تجربه هنری در هنرهای سنتی و دیجیتال میان دانش‌آموزان دبیرستانی

### ۵- سؤال‌های تحقیق

۱. عصر دیجیتال چگونه بر ماهیت تجربه هنری و زیبایی‌شناسی میان دانش‌آموزان دبیرستانی اثرگذار بوده است؟
۲. چه ضرورت‌هایی در بازتعریف نظریات زیباشناسی عصر رسانه و پسرانسانه در مدارس متوسطه دوره دوم وجود دارد؟
۳. ابزارها و رسانه‌های دیجیتالی تا چه اندازه بر خلاقیت و اندیشه دانش‌آموزان هنرمند اثرگذارند؟
۴. هنرمندان برای خلق گونه‌های مختلف هنر دیجیتال از منظر زیبایی‌شناسی و تجربه هنری از کدامین جنبه‌های میراث هنرهای سنتی بهره می‌برند؟

۵. تجربه زیبایی‌شناختی حاصل از عصر دیجیتال در مدارس چگونه ارزیابی می‌شود؟

## ۶- فرضیات تحقیق

۱. امکانات ابزاری عصر دیجیتال، رسانه‌های شدن فرهنگ و گسترش فناوری‌های ارتباطی جدید، توسعه اینترنت و ماهواره‌ها با ایجاد امکان نفوذ دید مخاطب عام و تأثیر بر جامعه باعث ایجاد رویکردهای جدیدی در تبیین ماهیت تجربه هنری و زیبایی‌شناسی میان دانش‌آموزان شده است.
۲. در عصر رسانه‌های دیجیتال هنر به یک امر متعارف و معمول تبدیل شده است، به این ترتیب به نظر می‌رسد در نظریات زیباشناسی در عصر رسانه و پسا رسانه مبتنی با جامعه‌شناسی آموزشی این عصر و حضور فن‌های رایانه‌ای بازتعریفی معقول نیاز است.
۳. ابزارهای دیجیتال امکان بروز خلاقیت بیشتری برای هنرمند ایجاد کرده است همچنین فن‌های موجود بر ذهنیت و بیان هنری و حتی نمایش اثر هنری در بین دانش‌آموزان اثرگذار می‌باشند.
۴. در عصر دیجیتال دانش‌آموزان هنرمند می‌توانند هم‌زمان از ترکیب چند هنر مختلف (نقاشی، عکس، گرافیک، فیلم، تئاتر و غیره) جهت خلق اثر هنری در ارائه بهتر دروس خود بهره ببرند. به این ترتیب مرز دقیق میان قالب‌های بیان هنری از میان رفته و در نتیجه تمامی جنبه‌های سنتی هنر متحول می‌گردند.
۵. با گسترش فناوری‌های ارتباطی و تغییر مفاهیم موجود در عصر جدید تجربه زیبایی‌شناختی جدید را می‌توان همراه با بررسی حوزه‌های جامعه‌شناسی رسانه‌ای، تبیین فن‌های رایانه‌ای و در نظر گرفتن گونه‌های مختلف هنری ارزیابی کرد.

## ۷- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

جهت تحلیل و تبیین اطلاعات جمع‌آوری شده سوبه‌هایی از تاریخ هنر معاصر و مسائل بنیادی زیبایی‌شناسی معاصر و فلسفه حاکم بر هنر معاصر مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در مقایسه بین آثار دیجیتال و سنتی به هنرهایی که از لحاظ ساختار و نحوه ارائه اثر باهم مشابهت دارند را بررسی می‌کنیم به این ترتیب که میزان و نحوه استفاده از زیبایی‌شناسی هنرهای سنتی در تولید آثار هنری عصر دیجیتال بررسی می‌شود. مسائل مربوط به هنر و فن همچنین ضرورت‌ها و پیامدهای استفاده از فن‌های رایانه‌ای عصر جدید را با توجه به تأثیر ابزارهای دیجیتالی بر هنرمند بررسی می‌کنیم. بحث تقابل هنر و فناوری و مسائل هنر فناورانه مورد توجه قرار داده می‌شود اینکه چه تولیدات فناورانه هنر هستند و در این هنر مرز فناوری و هنر تا کجاست. اینکه هنرمند تا چه حد در تولیدات خود می‌تواند از فناوری بهره‌بردار و تأثیرات جامعه‌شناختی متقابل هنر بر جامعه و جامعه بر تولیدات هنری در عصر دیجیتال را با در نظر گرفتن پیامدهای عصر دیجیتال و عصر رایانه بررسی خواهد شد.

## ۸- تعریف واژه‌های تحقیق

مدیریت آموزشی<sup>۱</sup>: مدیریت آموزشی بر خلاف سایر گرایش‌های علوم تربیتی که متأثر از حوزه‌های دانشی خارج از خود بوده اند، دارای ماهیت مستقلی است و اولین نوشته‌های آن به سال‌های ۱۸۲۹ یعنی بیش از هشت دهه قبل از نشر اولین کتاب مدیریت توسط تیلور (۱۹۱۱) صورت گرفته است (رسته مقدم، آرش ۱۳۹۵).

زیبایی‌شناسی: به طور عام اصطلاحی است مربوط به شناخت مفاهیم زیبایی و هنر (پاکباز، ۱۳۸۵: ۲۸۷)  
هنر دیجیتال: اصطلاحات و تعاریف مربوط به شکل‌های فناوری دیجیتال همواره به شدت سیال بوده‌اند و آنچه امروزه به عنوان هنر دیجیتال شناخته می‌شود، همواره از زمان ظهور دچار تغییر اسم‌های بسیاری شده است: در ابتدا، به عنوان هنر کامپیوتری به آن اشاره شده است سپس هنر چندرسانه‌ای. هنر دیجیتال، امروزه خود را زیر چتر اصطلاح هنر رسانه‌ای جدید قرار داده است که در پایان قرن بیستم غالباً برای فیلم، ویدئو و نیز هنر صدا و دیگر فرم‌های تلفیقی بکار می‌رفت. (قاسمی، ۱۳۸۵: ۳۱)

اثر هنری: اثر هنری بروز یک عالم است و ایجاد یک زمین و در تقابل این دو است که هنر رخ می‌دهد (خاتمی، ۱۳۹۲: ۲۲)  
دیجیتال: یک سیستم (سامانه) دیجیتال، سیستمی است که در آن اطلاعات به صورت رقمی ارائه و پردازش می‌شود.  
(رضازاده، ۱۳۹۵: ۳)

## ۹- فناوری دیجیتال

عصر جدید عصر فناوری دیجیتال است. در جهان امروز، الگوهای فناوری و سیستم های جدید اطلاعاتی به همراه راهبردهای رایانه ای در زمینه های مختلف رسانه ای نظم یافته و شکل جدیدی از فرهنگ و هنر را ارائه داده اند. عوامل فوق، جایگزین منطق روایتی دوره مدرن شده و در نتیجه آن، شیوه ارائه معمول و مرسوم هنر و امر زیبا را دستخوش تغییر و تحول کرده است. عصر دیجیتال چگونه بر ماهیت تجربه هنری و زیبایی شناسی اثرگذار بوده است؟ این سؤال حاوی مضامینی است که نیاز به گسترش و توضیح بیشتر دارد به این ترتیب ابتدا به توضیح مفهوم دیجیتال از نگاه های مختلف و بررسی نظریات مختلف در رابطه با فناوری دیجیتال می پردازیم در ادامه ابتدا تعریفی از دیجیتال ارائه می دهیم بعد توضیح مختصری درباره نحوه کارکرد رایانه های دیجیتالی می آوریم پس از آن به بیان نظریات مختلفی که سعی کرده اند ماهیت فناوری های دنیای مدرن و دیجیتالی را تبیین کنند می پردازیم. فلسفه فناوری یکی از شاخه های فلسفه است که امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این بخش از فلسفه به این دلیل جالب توجه است که فناوری یکی از مسائل مهم زندگی امروزه به شمار می آید. در زمانه ای که کشورهای جهان بر سر دستیابی به فناوری های روز در حال رقابت جدی هستند و آثار گسترده فناوری بر زندگی انسان ها به روشنی دیده می شود توجه فیلسوفان هم به این موضوع جلب شده است.

اندیشه های فلسفی درباره فن از دوره یونان باستان بجا مانده اند و پس از شکل گیری فناوری های جدید و جوامع فناورانه، متفکران مختلفی در دوران اخیر این گونه اندیشه ها را ادامه و بسط داده اند. با این حال، فلسفه فناوری به لحاظ تاریخی در پس انبوه کتابها در حوزه فلسفه علم از یک سو و اندیشه های فرهنگی و اجتماعی درباره فناوری از سوی دیگر تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. پس از آن در نیمه دوم قرن بیستم، متفکران مختلفی با پس زمینه های حرفه ای و نیز رویکردهای متفاوت این بخش از فلسفه را گسترش دادند. رویکردهای فلسفی مختلفی مانند پدیدارشناسی، نظریه انتقادی، پراگماتیسم و فلسفه تحلیلی در این زمینه بحث کرده و در گسترش این شاخه نقش داشته اند. در عین حال، به دلیل تعامل مداوم فناوری با حوزه های اجتماعی و فرهنگی، مباحث فلسفه فناوری همیشه با علوم اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در ارتباط بوده اند.

بیشتر نظریاتی که تاکنون درباره ماهیت فناوری و نسبت آن با انسان سخن گفته اند یک امر را مسلم می گیرند و آن این است که فناوری به عنوان یک غیر انسان با انسان تفاوتی ذاتی دارد. به عبارتی دیگر، آن ها انسان و مصنوعات را در مقابل هم قرار می دهند و بعد از این بحث می کنند که این دو چه رابطه ای باهم دارند و چگونه در هم تأثیر می گذارند. در فلسفه فناوری مصنوعات در مقابل انسان قرار دارند چه این فلسفه ابزارگرایی و اختیارگرایی باشد، چه جبرگرایی و ذات گرایی. تفاوت ذاتی انسان و غیر انسان در این نظریه ها باعث می شود رابط میان آن دو حاوی نوعی سلطه باشد؛ یا سلطه انسان بر غیر انسان، یا سلطه غیر انسان بر انسان. یا این فناوری است که همچون ابزاری خنثی و خادمی خاموش در خدمت بشر است یا این انسان است که همچون عروسکی در دستان گشتل فناوری گرفتار است. این نظریات از اساس در اندیشه سلطه هستند و بر اساس آن ها یا انسان در انقیاد غیر انسان است یا غیر انسان در انقیاد انسان. سلطه انسان بر غیر انسان یا به عکس، نتیجه طبیعی تقابل میان آن هاست. وقتی که ما میان انسان و غیر انسان به تقابلی ذاتی قائل شدیم، آنگاه برای تبیین رفتار آن ها ناچار خواهیم بود به یکی قدرت بیشتری دهیم، چراکه تقابل میان دو چیز اجازه نمی دهد که هر دو وضعیت و جایگاه هستی شناختی یکسان و برابری داشته باشند. (باقری، ۱۳۸۱: ۷۵)

تقابل میان انسان و غیر انسان اصل بنیادین فلسفه فناوری است و همین باعث می شود نظریاتی که در این حوزه مطرح می شوند در اندیشه سلطه انسان بر غیر انسان یا غیر انسان بر انسان باشند. در واقع این دو نظریه دو سر یک طیف را تشکیل می دهند؛ یکی فناوری را امری مستقل از انسان و تابع قوانین و قواعد خود می داند و دیگری فناوری را وسیله ای صرف در دست انسان قلمداد می کند. چنانکه بعداً خواهیم دید در رویکرد نخست، فناوری بر انسان سلطه می یابد و در دیدگاه دوم، انسان بر فناوری. در میان این دو قطب، رویکردهای دیگری نیز وجود دارند که به اندازه دوری از یک قطب به قطب دیگر نزدیک می شوند. در فلسفه فناوری مصنوعات در مقابل انسان قرار دارند چه این فلسفه ابزارگرایی و اختیارگرایی باشد، چه جبرگرایی و ذاتگرایی. بخشی از نظریات فیلسوفانی که به فناوری توجه کرده اند ذیل مجموعه ابزارگرایی میتوان بررسی کرد این نظریات به طور کلی انسان را فاعل اصلی می دانند و لزوم وجود هرگونه فناوری را فقط تحت سیطره اندیشه و خواست انسان بررسی می کنند. به این ترتیب فناوریها از خودشان هیچگونه تأثیری بر عملی که در حال انجام است نمی گذارند. جبرگرایی فناوری مشهورترین و تأثیرگذارترین نظریه در مورد رابطه میان فناوری و جامعه است. اصطلاح جبرگرایی برای بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی، اصطلاحی منفی است. در فناوری این سؤال توسط نظریه پردازان طرح شده است که آیا اصل فناوری در زندگی ما به خودی خود تعیین کننده است؟ یا اینکه انسان به صورت مختار تصمیم می گیرد چگونه از فناوری بهره مند شود و تأثیرات فناوری بر خودش را مختارانه مدیریت می کند؟

## ۱۰- تکنوپولی

نیل پستمن از کسانی است که تکنولوژی را با نگاه انتقادی بررسی کرده است. به عقیده نیل پستمن فناوری‌های جدید می‌توانند در علایق و اندیشه‌های تأثیرگذار باشند تا حدی که آن‌ها را دگرگون کنند. به رمزها و معنای آن‌ها و حتی وسایل تعقل و اندیشه معانی دیگر و کاربردی می‌بخشد. جامعه و اجتماع معنای دیگری پیدا می‌کند فضای رشد اندیشه و زمینه‌های آن تحول می‌یابد. امروزه در ایالات متحده واقعه‌ای رخ داده است عجیب و درعین حال خطرناک. تا این لحظه به این واقعه جز با نگاهی خیره و عمدتاً ملال‌آور کسی نیندیشیده است. شاید به این دلیل که هنوز نامی برای آن انتخاب نشده است. من این واقعه را انحصارگرایی فناوری یا همان تکنوپولی می‌نامم. تکنوپولی می‌کوشد تا با بهره‌گیری از رسانه‌ها، فرهنگ تعقل را برکنار کرده و فرهنگ تجمل را حاکم گرداند و در این راه انسان‌ها برای نجات از وضع موجود چاره‌ای جز زهدگیری اجتماعی نخواهند داشت، بدان معنا که با به‌کارگیری قدرت عقل، راه سلطه تکنوپولی و ابزار مستقیم آن همچون رسانه را بر انسان امروزی مسدود نمایند. (پستمن، ۱۳۷۵: ۱۵)

پستمن از سه نوع فرهنگ نام می‌برد، فرهنگ ابزار، فرهنگ تکنوکراسی، فرهنگ تکنوپولی. به عقیده او فرهنگ ابزار در حال از بین رفتن است اما همچنان رگه‌هایی از آن در برخی جوامع دیده می‌شود. او بیان می‌کند که فرهنگ ابزار به دو منظور به کار گرفته می‌شده است برآوردن نیازهای زندگی و قرار گرفتن در خدمت مظاهر و سمبل‌های عقیدتی، هنر، سیاست، مسئله دیگر این است که این ابزارآلات به‌هیچ‌وجه در مبانی فرهنگ جامعه دخالتی نداشته‌اند. در این فرهنگ ابزار است که در خدمت فرهنگ است. وی در این رابطه دو نکته را مطرح می‌کند نکته اول اینکه کمیت حضور ابزار در یک فرهنگ ابزار، به‌هیچ‌وجه نقش اساسی در تحولات فرهنگی ندارد. دوم اینکه در فرهنگ ابزار هم‌هم نمی‌توان از تأثیر فن بر فرهنگ غافل بود. پستمن برای این موضوع اختراع ساعت را مثال می‌زند که در ابتدا برای مراسم‌های مذهبی به کار می‌رفت اما بعداً مردم کلیه فعالیت‌هایشان با این ساعت تنظیم کردند پستمن این اتفاقات را زمینه بروز تکنوکراسی می‌داند؛ و بر این اساس می‌گوید در جامعه تکنوکراسی ابزار و آلات نقش کلیدی را در جهان اندیشه‌های فرهنگی آن جامعه بر عهده‌دارند. همه شرایط، تحولات، خواسته‌ها و همه ویژگی‌های اجتماعی باید تا حدود زیادی تابع رشد این ابزار و آلات باشد. در این نوع جامعه ابزار و فن در اجتماع و فرهنگ هضم نمی‌شود، بلکه به آن هجوم می‌برد و خود بر آن است که به فرهنگ تبدیل گردد. در این نظام آداب‌ورسوم فقط رنگ و لعاب و پوسته ظاهری دارند. پستمن می‌گوید ضرورت حفظ حاکمیت تمام عیار تکنوامپراطور در گرو نفی تمامی ارزشها و مبانی عقیدتی است (پستمن، ۱۳۷۵: ۳۱۲).

پستمن بیان می‌کند که انسان امروزی به‌اندازه انسان قرون وسطی ساده‌لوح است. آن زمان به مذهب اعتقاد خلل‌ناپذیر داشت و امروز به علم و فن. از نظر پستمن جهانی که ما امروز در آن زندگی می‌کنیم حالتی پیدا کرده است که ما از درک آن عاجز هستیم. هر آنچه را که می‌شنویم باور می‌کنیم زیرا دلیلی برای رد آن نداریم. تکنوپولی تمام معیارهای مار را برای سنجش اهمیت و بررسی صحت و سقم شنیده‌ها از ما گرفته است. آن قدر با بی‌نظمی مواجه شده‌ایم که هر اتفاقی را محتمل می‌دانیم. در یک جامعه مبتنی بر فرهنگ ابزار و آلات، مبانی باورها و اعتقادات دینی، سامانه‌ای را تشکیل می‌دهند که برخوردار از نظمی است که جای هر چیز را مشخص کرده است؛ و بر اساس نظام اعتقادی موجود جهان دارای نظم و میزانی است. زندگی کردن در جهانی که عاری از حوادث و وقایع تصادفی است و هر حادثه و رویدادی معنا و هدفی دارد می‌تواند موهبت و هدیه‌ای از طرف معارف دینی به انسان باشد؛ اما در این جهان تکنوپولی، نمی‌توان شاهد چنین نظمی بود. علم و فناوری در این جهان دو ابزار مهم پیشرفت تلقی می‌شوند و با باید تولید اطلاعات خط پایانی برای جهل و خرافات ترسیم نمایند. تولید اطلاعات جامعه را از جهل نجات می‌دهد. آنچه جهان بدان نیاز دارد، اطلاعات بیشتر است. در زیر لوای تکنوپولی به آنجا کشیده می‌شویم که عمر خود را در راه تلاش برای دستیابی به اطلاعات سپری کنیم. گسترش کتاب‌ها، روزنامه‌ها و ... همه در این راستا شکل گرفتند تا جایی که اطلاعات صورت هرج و مرج شدیدی به خود گرفت و باعث ایجاد بحران‌های اطلاعاتی شد. در راستای حل این بحران مدارس به وجود آمدند تا جریان گسترش اطلاعات را کنترل کرده و نظم دهند. علاوه بر این سایر نظام‌های کنترل اطلاعاتی به وجود آمدند که در نهایت موفق به کنترل این جریان نگردیدند. در اینجاست که نظام تکنوپولی به‌عنوان نظامی تعریف می‌شود که در آن جامعه انسانی سیستم ایمنی و قدرت دفاعی خود را در برابر تهاجم سیل اطلاعات از دست داده است. دنیایی که در یک لحظه حادثه‌ای یا چهره‌ای نمودار می‌گردد و در همان لحظه مجدداً ناپدید می‌شود. جهانی نامحتمل و دنیایی پر از عجایب. رفتارهای ما بر این باور است که اطلاعات دوست و یاور ماست و معتقدیم که کمی و فقدان اطلاعات، فرهنگ‌ها را دچار خسارت‌های سهمگین می‌سازد. امری که بدون تردید مصداق دارد و عاری از صحت نیست؛ اما امروز رفته‌رفته درمی‌یابیم که انبوهی و سرشاری اطلاعات نیز می‌تواند فرهنگ را دستخوش خسارات سهمگین سازد.

تکنوپولی، فرهنگی است با اوضاع و شرایطی خاص و دارای شاخصه‌ها و خصلت‌های ویژه خود و درعین حال از روح و روانی معین برخوردار است.

وجه بارز این فرهنگ قرار دادن فناوری به جای خداست؛ و لذا شاخصه‌ها و خصلت‌های آن خدا گونه است. فرهنگ دستورالعمل‌های خود را از فناوری می‌گیرد و نهایتاً شاهد فروپاشی و نابودی باورها و عقاید سنتی خواهیم بود.

از دیدگاه تکنوپولی مهم‌ترین ارزش دستگاه‌ها و ابزارها، دقت است و به انگیزه‌ای که یک ماشین در سر می‌پروراند اغلب توجه نمی‌شود. در تکنوپولی معرفت‌های ذهنی فاقد ارزش بوده و نیازمند تأیید به‌وسیله آزمون‌ها و ماشین‌هایی هستند که به دست کارشناسان و متخصصان باید انجام گیرد. ماشین‌ها قادرند پیچیدگی‌ها، تردیدها و چندوجهی بودن‌ها را برطرف سازند، سریع‌تر کار می‌کنند و استاندارد شده هستند و با زبان اعداد با ما سخن می‌گویند. در نظام تکنوپولی ما نه تنها به‌وسیله اعجاب‌آفرینی‌های ماشین احاطه می‌شویم بلکه بدان سو کشیده می‌شویم که انگیزه‌ها و ایده‌های نهفته و ذاتی آن‌ها را اصلاً مورد توجه قرار ندهیم.

کامپیوتر به نحوی و از راه‌هایی صاحب قدرت تعیین‌کننده و هدایتگر اندیشه‌های ما شده که شاید یک فرهنگ هوشیار و بیدار از قبول و پذیرش و قبول آن امتناع می‌ورزید. نویسنده ضمن برشمردن برخی توانایی‌های کامپیوتر به بررسی تأثیر این فناوری بر جوامع انسانی پرداخته است. از نظر پستمن مهم‌ترین پیام کامپیوتر این است ما ماشین هستیم، گرچه ماشین‌های هستیم که دارای قدرت تفکر است؛ اما در هر صورت انسان ماشین است. از این رو کامپیوتر مهم‌ترین و کامل‌ترین ماشین تکنوپولی است که به هیچ وجه و با هیچ چیز دیگر قابل تعویض و جایگزینی نیست. کامپیوتر سلطه محض خود را بر روی طبیعت و الزامات آن، محیطزیست، احساسات و عواطف ما و ... به دست می‌گیرد. او مدعی حاکمیت بلامنازع بر مجموعه تجربیات و رفتارهای انسانی و آنچه بر سر انسان‌ها می‌آید و خلاصه تسلط کامل بر تمام ابعاد زندگی انسان است و این ادعا را با این نمایش که او بهتر از ما قادر به فکر کردن است، تحکیم می‌بخشد. پستمن پس از ارائه این مطالب هرگونه مقایسه ذهن آدمی با کامپیوتر را مردود اعلام کرده و معتقد است که هیچ‌گاه کامپیوتر نمی‌تواند مثل فکر آدمی باشد و معنای اعمالی را که انجام می‌دهد بفهمد و درک کند. ذهن انسان هرگز قابل کپی کردن و انتقال نیست؛ اما جامعه به این سمت کشانده شده است که کامپیوترها را برابر با انسان‌ها تلقی می‌کنند و چه بسا فراتر از انسان‌ها. پستمن به معرفی برخی جنبه‌ها و عناصر نظام تکنوپولی که کمتر قابل رؤیت و همچنین کمتر کانون توجه هستند می‌پردازد. وی از پدیده‌هایی نظیر زبان، علم آمار و نیز مدیریت جدید به‌عنوان فن و فناوری صحبت می‌نماید. وی در خصوص زبان می‌گوید زبان ابزاری است که دارای جهت‌دهی خاص ایدئولوژیک است که غالباً خود را از نظر دور نگه می‌دارد. از آنجایی که زبان از درون ما نشأت می‌گیرد حاوی فناوری بودنش چندان محرز نیست و به آن به‌عنوان پدیده‌ای طبیعی نگاه می‌کنیم. (پستمن، ۱۳۷۱ : ۴۰)

پستمن می‌خواهد از آنچه که تکنولوژی با نمادهای مقدس جامعه انجام داده است پرده بردارد. او می‌گوید که تکنوپولی نمادهای ما را هدف قرار داده است. استفاده بیش‌ازحد از هر نمادی باعث از بین رفتن اثر آن می‌باشد. در نظام تکنوپولی وظیفه بی‌اعتبار کردن مقدسات و ارزش‌ها به عهده اقتصاد و تجارت گذاشته شده است که نمونه آن را در استخدام سمبل‌های مذهبی در آگهی‌های تجاری مشاهده می‌کنیم. اساساً در قسمتی از مرکز این نظام تکنوپولی، کارخانه عظیمی است که خود را از هر قید و بندی آزاد می‌یابد تا با استفاده تمامی سمبل‌های موجود به درون روح و روان مصرف‌کننده نفوذ کرده و آن را تصاحب نماید و در خدمت اقتصاد و بازرگانی درآورد نه به این دلیل که اقتصاد و تجارت آمریکایی آزمند و طماع است، بلکه از این رو که احترام و ارزش تکنولوژی فوق ارزشهاست. سمبلهایی که اعتبار و ارزش آنها ریشه در عقاید سنتی و مذهبی دارد باید به سریع‌ترین وجه ممکن از اعتبار ساقط و اثرگذاری آنها کاسته شود و در نهایت بی‌اعتبار و بی‌اثر گردند. نمادها به دو صورت از محتوی خارج میشوند: ۱- تکثیر بی‌اندازه و بی‌حد آنها که از رهگذر چاپ و لیتوگرافی و نیز سینما و تلویزیون بدست آمد که این نمادها را که صورتی مقدس و محبوب داشتند با بی‌اعتنایی و تکرار مواجه کرد. ۲- برآثر استفاده بیجا از آنها و بکار بردن بی‌رویه آنها در هر محفل و هر مورد؛ اما نکته مهم این است که در پی رنگ و رو باختن نمادها، رفته رفته هسته اصلی روایات و منقولات و اعتقادات رو به زوال نهاده و منهدم خواهد شد و این یکی از ناسالم‌ترین عواقب تکنوپولی است. به عقیده پستمن تصویری از واقعیت که در تلویزیون پخش می‌شود، جای خود آن واقعیت مورد اشاره را گرفته و به گونه‌ای است که تا مردم توصیف واقعه‌ای را بر صفحه تلویزیون نبینند، گویا وقوع آن را باور نمی‌کنند. در این میان، لطمه‌ای که از راه برنامه‌های «شو»، مانند تلویزیونی بر مذهب وارد شده است، گویاترین نمونه از دست کاری‌های عمیق این رسانه بر طرف دار در باورها و برداشت‌های آمریکاییان به شمار می‌رود. (پستمن، ۱۳۷۳: ۹)

## ۱۱- هنر باز تولید پذیر

والتر بنیامین از اندیشمندان منسوب به مکتب فرانکفورت، در مقاله‌ای اثر هنری در عصر بازتولید پذیری تکنیکی به مباحثی اشاره کرد که تأثیر بسیاری بر رویکردهای مختلف به هنر داشت. مسئله‌ای که بنیامین در این مقاله به آن می‌پردازد به بحث گسترش فناوری و زندگی ماشینی بازمی‌گردد که به تبع آن ماهیت هنر هم در عصر حاضر دچار یک دگردیسی شده است. از نظر بنیامین، درک و دریافت مخاطب امروزی از هنر متحول شده و این امر با جایگزین شدن کارکرد آیینی هنر با کارکرد نمایشی آن در

پیوند است. به‌زعم او، آنچه در اثر هنری بازتولیدپذیر امروزی از بین می‌رود هاله‌ی اثر هنری نامیده می‌شود. بنیامین عنوان می‌کند که این تجربه‌ی جدید و امر بازتولیدپذیر سبب شده منش آیینی هنر به نفع منش سیاسی و اجتماعی آن کنار گذاشته شود. در واقع کارکرد اجتماعی هنر از آیینی به سیاسی تغییر یافته است. البته از نظر او در هنر بازتولیدپذیر عصر حاضر نیرویی نهفته که می‌تواند علیه سنت عمل کند و آن را کنار بزند. (کمالی، ۱۳۸۷: ۱۲۵)

والتر بنیامین از جمله کسانی است که تأثیرات فناوری هم بر ماهیت هنر و هم بر دریافت اثر هنری را مورد بررسی قرار داده است. در نگاه او فناوری به‌طور کلی دستگاه حسی بشری را در جوامع مدرن دچار دگرگونی کرده است. همچنین در زمینه هنر با بازتولید فناوری‌هاش موجب از بین رفتن فاصله اثر هنری از مخاطبان‌ش شده است؛ و از سوی دیگر یکتایی اثر هنری را از بین برده است. او در مهم‌ترین مقاله‌اش «اثر هنری در دوران بازتولید پذیری تکنیکی» نشان می‌دهد که سرنوشت هنر در دوران مدرن با تغییراتی اساسی در ساختار تجربه بشری روبروست که رد آن تغییرات را می‌تواند در دگرگونی‌های سیاسی و فناوری‌ها جهان بشری نیز جستجو کرد. به عقیده او، هنر به‌مثابه جایگاهی که این تغییرات ساختاری در تجربه را آشکار می‌کند، هم تهدیدهایی را به دنبال خواهد داشت و هم امیدهایی برای بهبود را نوید می‌دهد. نتیجه این دگرگونی تاریخی از بین رفتن قداست اثر هنری و جایگزینی ارزش‌های نمایشی به‌جای ارزش‌های آیینی آن است. (بنیامین، ۱۳۸۴: ۱۵)

بنیامین در بحث از هنر مدرن که مهم‌ترین ویژگی آن را بازتولید پذیری می‌داند به تجلی یا به عبارتی هاله‌ی تقدس اثر اشاره می‌کند. که به‌گونه‌ای می‌توان آن را وجه تمایز هنر مدرن با هنر سنتی دانست؛ و در نظریاتش عنوان می‌کند که شاید بتوانیم آن چیزی که در هنر بازتولید پذیر حذف می‌شود را تحت مفهوم هاله بگنجانیم و به‌طور کلی بگوییم که فن بازتولید، موضوع بازتولید شده را از قلمرو سنت جدا می‌کند. به دو دلیل؛ نخست اینکه، با تولید تعداد بسیاری امر بازتولید شده است که امر متکثر جایگزین یک وجود یگانه می‌شود. دیگر آنکه، با این کار به مخاطب اجازه می‌دهد که در وضعیت خاص خودش با اثر بازتولید شده ملاقات کند؛ در نتیجه، موضوع بازتولید شده را دوباره فعال می‌کند. این دو جریان به متلاشی شدن عظیمی در امر سنت منجر می‌شود که خودش روی دیگر سرگستگی معاصر و تجدید بشریت است. از دید او، نابودی هاله در عصر تولید ماشینی امری اجتناب‌ناپذیر است. البته او این امر را از بسیاری جهات مفید ارزیابی می‌کند. اگر اثر هنری پیوند خود را با بستری سنتی که در آن رشد یافته بگسلد، آنگاه این اثر، اقتدار غیرواقعی خود را از دست خواهد داد. (رمضانی، ۱۳۹۲: ۲۴)

بنیامین بیان می‌کند که آثار هنری در دوران باستان برای استفاده در مراسم جادویی و مذهبی به کار گرفته می‌شدند و اثر هنری از کارکرد آیینی خود جدا نمی‌شد پس از دوران باستان هم آثار هنری در دوره‌های مختلف به شکل‌هایی کارکرد آیینی خود را حفظ کردند. در حقیقت، ارزش یک اثر هنری، بیشتر از ارزش آیینی آن ناشی می‌شد، خواه ارزش جادویی، ارزش مذهبی یا ارزش دنیوی بود که مانند آیینی از زیبایی است و اصالت بیشتر یک معیار مربوط به ارزیابی تولید هنری است او در کتاب پاساژها اشاره می‌کند که نابودی هاله به یک معنا «افسون زدایی» یا «اسطوره‌زدایی» مدرنیته است. او تجلی اثر هنری را خصوصیتی اسطوره‌ای می‌داند. اسطوره‌ای بر مبنای این‌همانی چیزها یا معنایی نهانی و غیرقابل دسترس استوار است؛ چهره‌ی مقدس در هر اسطوره‌ای، الگوی این دلالت است. این هنر اساساً کارکرد آیینی داشت کارهای آیینی قدرت خود را با محدود بودن به فضاهای مناسکی دست نیافتنی حفظ کرده یا افزایش می‌دهند. (بنیامین، ۱۳۸۴: ۱۵)

دیدگاه بنیامین می‌گوید اثر هنری تجلی خود را از دست نخواهد داد مگر آنکه کاملاً از نقش آیینی خود جدا شود. بنیامین عقیده دارد با امکان بازتولید، اثر هنری آن جادو و هاله‌ای را که در هنر سنتی داشت از دست می‌دهد، این موضوع تا حدی با فقدان کیفیت یگانه و بی‌همتایی اثر هنری مرتبط است. تولید ماشینی مسبب این امر است. بنابراین، می‌توانیم بگوییم اثر هنری با بازتولید ماشینی اصالت خود را نیز از دست می‌دهد. دلایل از میان رفتن اصالت از این‌قرارند که نخست بازتولید فنی از اثر مستقل است و با نمای نزدیک جنبه‌هایی از اثر را نشان می‌دهد که از چشم دور می‌ماند و دیگر اینکه بازتولید مکانیکی اثر را به مکان‌هایی می‌برد که برای نسخه‌ی اصل امکان‌پذیر نیست. تجلی اثر هنری سه ساحت اصلی دارد، اول اینکه اثر یکه است، دوم اینکه اثر هنری با ما فاصله دارد و برای ملاقات با آن باید به موزه‌ها یا هر جای دیگری رفت و سوم اینکه اثر هنری جاودانه است. بازتولید مکانیکی هر سه ساحت تجلی را از میان می‌برد. (کمالی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

به‌زعم بنیامین، بازتولید پذیری اثر هنری برای نخستین بار در تاریخ جهان، اثر هنری را از بند وابستگی به هر نوع آئینی چه دینی و چه دنیوی رها کرد. امکان بازتولید در این اثر هنری جدید جزئی از ماهیت و نحوه‌ی نمایش آن می‌شود. مسئله‌ی اصلی بنیامین درباره‌ی دگرگون شدن کارکرد کلی هنر به دلیل بازتولید پذیری آن است. این مسئله با جایگزینی ارزش آیینی به‌وسیله‌ی ارزش نمایشی که با عکاسی آغاز شد پیوند می‌یابد. بنیامین بابت از بین رفتن کارکرد آیینی هنر ابراز نگرانی نمی‌کند. به باور او، با این تحول، هنر از اینکه تنها در دسترس عده‌ای خاص باشد خارج می‌شود و عامه‌ی مردم هم به‌راحتی می‌توانند با هنر مواجه شوند. در اینجا از هنر سینما نیز می‌توان یاد کرد که این شرایط را برای توده‌ی مردم فراهم می‌کرد. به عقیده او، سینما در عصر حاضر باعث شده که ارزش‌های آیینی از میان برود، ولی دقیقاً به همین دلیل که بجای مخاطب فرهیخته با توده‌ی مردم مواجه می‌شود از آن دفاع می‌کند؛ و عنوان می‌کند که باید تحولاتی که در عرصه‌ی هنر ایجاد شده است به سمتی سوق پیدا کند که بشر در آن



به‌نوعی رهایی دست یابد؛ این امر میسر نیست مگر آنجا که هنر ماهیتی سیاسی به دست بیاورد. دگرگونی ایجادشده در آثار هنری به‌واسطه‌ی ورود فن، امکاناتی را در جهت آگاهی دهی برای ما ایجاد می‌کند. بنابراین فناوری‌ها می‌توانند راه‌هایی را برای تفکر در مورد تاریخ هنر و همچنین فلسفه‌ی هنر به روی ما بگشایند. به باور او، می‌توان از طریق هنر به رهایی دست‌یافت و همواره بر جنبه‌ی رهایی بخشی هنر تأکید داشت. (آزاد، ۱۳۸۹: ۱۲۹)

## ۱۲- مدیریت آموزشی

سازمان آموزشی یک سیستم اجتماعی است. این سیستم متشکل از دو بعد هنجاری و شخصی است؛ بعد هنجاری از سه عنصر سازمان، نقش و انتظارات و بعد شخصی نیز از سه عنصر فرد، شخصیت و نیازها-پیش‌آمادگی‌ها تشکیل می‌گردد. در تئوری سیستم‌های اجتماعی رفتار سازمانی کارکنان، تابعی از نقش و شخصیت است؛ به عبارت دیگر، در سازمان، رفتار در نتیجه تعامل آمادگی‌ها، انگیزه‌ها و نیازهای شخصی فرد و وظایفی که از نقش و پست سازمانی او انتظار می‌رود، تعیین می‌شود. در این تئوری، اثربخشی، زمانی حاصل می‌گردد که رفتار سازمانی با انتظارات سازمانی همخوانی داشته باشد. هرگاه فرد دارای نیازها و انگیزه‌های متضادی باشد یا ایفای نقش سازمانی مستلزم برآورده نمودن انتظارات متضادی باشد یا بین ویژگی‌های شخصی و نقش سازمانی فرد تعارض وجود داشته باشد اثربخشی کاهش می‌یابد. در مقابل، تناسب نقش سازمانی با ویژگی‌های شخصی موجب افزایش رضایت فرد می‌گردد. در تئوری سیستم‌های اجتماعی، سه سبک مدیریت شناسایی شده است: الف- سبک هنجار مدار (تأکید بر بعد هنجاری و انتظارات سازمانی)، ب- سبک فرد مدار (تأکید بر بعد شخصی و انگیزه‌ها و نیازهای کارکنان)، ج- سبک موقعیتی (تأکید بر بعد هنجاری یا بعد شخصی به تناسب موقعیت و شرایط). نظریه گنزلز و گوبا در ارتقاء علمی رشته مدیریت آموزشی تأثیر بسیار مهمی داشته است به طوری که توسط سایر دانشمندان مدیریت آموزشی مورد توجه قرار گرفته و بسط یافته است.

## ۱۳- تأثیر دیجیتال بر مدیریت آموزشی

امکانات ابزاری عصر دیجیتال، رسانه‌ای شدن فرهنگ و گسترش فناوریهای ارتباطی جدید، توسعه اینترنت و ماهواره‌ها با ایجاد امکان نفوذ دید مخاطب عام و تأثیر بر جامعه باعث ایجاد رویکردهای جدیدی در تبیین ماهیت تجربه هنری و زیبایی‌شناسی شده است، فضای دیجیتالی که اثر هنری را به صورت انبوه در اختیار مخاطب قرار می‌دهد مخاطب و اثر هنری را وارد فضایی جدید میکند این برخورد با هنر و اثر هنری تجربه‌هایی متفاوت را ایجاد می‌کند که پیش از عصر دیجیتال وجود نداشته‌اند. این تجربه‌ها در حوزه‌های مختلفی قابل بررسی است پستمن عقیده دارد که فناوری در حال تغییر فرهنگ به فرهنگ تکنوپولی است در این فرهنگ فناوری در حال تأثیرگذاری عمیق بر تفکر و اعمال انسانی است به این ترتیب و طبق نظریات پستمن در تجربه‌ی هنری دو تغییر رخ داده است اول اینکه با ظهور ابزارها و به‌طور کلی فناوری برخی مهارت‌های تولید آثار هنری در حال از بین رفتن هستند و دیگر اینکه فناوری در حال کنترل انسانهاست و در نتیجه تولید هنری هم در این رابطه تحت تأثیر قرار گرفته است اما بنیامین در این زمینه معتقد است که هنر به خاطر توان تکثیرپذیری از حالت آیینی خارج شده و وجه‌های نمایشی پیدا کرده است بنیامین این تغییر را مثبت می‌داند و معتقد است این تغییر باعث شده هنر به توده‌های مردم نزدیک شود و بتواند تأثیرگذاری گسترده‌تری داشته باشد. در عصر رسانه و پسا رسانه‌ای به‌طور کلی هویت هر چیزی در مواجهه با انبوه اطلاعاتی که در حال رد و بدل شدن است دچار تغییر شده است. رسانه‌ها در نمود و نمایش چیزها هویت آنها را دستخوش تغییر می‌کند در رسانه‌های سنتی در گذشته این کار در دست افراد خاصی بود اما با به وجود آمدن رسانه‌های جدید که امکان تعامل را برای مخاطب فراهم آورده وضعیت متفاوتی به وجود آمده است. فضای رسانه‌های جدید هر مخاطب را تبدیل به رسانه می‌کند. به این ترتیب باید در نظریات زیبایی‌شناسی که وارد حوزه تجربه مخاطب با اثر هنری می‌شوند.

بازنگری‌هایی بر اساس فضای رسانه‌های جدید صورت بگیرد. همچنین این فضا بر ارائه اثر هنری تأثیر می‌گذارد با توجه به اندیشه‌های پستمن این فضا امکان دارد که خود اندیشه‌های هنری را هدایت کند اما اگر به آرا بنیامین رجوع کنیم که این فضا را برای نمایش آثار هنری به توده‌های مردم مناسب میدید به این ترتیب هنرمند باید به فرم‌هایی روی بیاورند که امکان ارائه در این رسانه‌ها را داشته باشند فرم‌های جدید ممکن است در تعاریف زیبایی‌شناسانه گذشته جایی نداشته باشد. عصر دیجیتال همراه با خود تغییراتی در جنبه‌های مختلف به وجود آورد گونه‌های مختلف و متنوع هنری که با عصر دیجیتال به وجود آمده‌اند، وضعیت‌های متفاوتی که از نظر فرهنگی، جامعه‌شناسی و روانشناسی در این عصر به وجود آمده هم بر زیبایی‌شناسی در عصر دیجیتال اثرگذار بوده است به این ترتیب برای ارزیابی تجربه‌های زیباشناختی متفاوتی که در این عصر به وجود آمده است باید به همگی این تغییرات جامعه‌شناختی، روانشناختی و همچنین به تأثیرات این تغییرات در درک و دریافت‌های زیبایی‌شناسی توجه شود

همچنین باید گونه‌های مختلف هنر دیجیتال مورد بررسی قرار بگیرند و ساختارها، فن‌ها و رویکردهای مختلف اینگونه‌های هنری در تقابل با مخاطب و هنرمند و محیط‌های تازه دیجیتالی بررسی بشوند.

#### ۱۴- نتیجه‌گیری

امکانات و ابزار متنوعی برای به وجود آوردن آثار هنری در عصر دیجیتال به وجود آمده‌اند، همچنین رویه‌های مختلف و متفاوتی در حوزه‌های فرهنگی، جامعه‌شناسی و روانشناسی در دوران دیجیتال شکل گرفته است این رویه‌ها بر درک زیبایی‌شناسی اثرگذار بوده است برای ارزیابی زیبایی‌شناسی در این عصر باید همهی این تغییرات جامعه‌شناختی، روانشناختی بررسی شوند و همچنین برای درک هنر دیجیتال باید گونه‌های مختلف این هنر مورد بررسی قرار بگیرند و نوع برخورد مخاطب و هنرمند با محیط‌های تازه دیجیتالی موردتوجه باشد موضوع دیگر اینکه تولید اثری هنری در برخی شاخه‌های هنری بدون توجه به هنرهای سنتی امکانپذیر است اما هنرمندان در برخی از گونه‌های هنر دیجیتال از فنهای سنتی خلق اثر هنری استفاده میکنند با توجه به این موضوع برخی نظریات زیباییشناسی در حوزه‌هایی که در هنرهای سنتی هم موردتوجه بوده بیشک در تولید اثر هنری موردتوجه هنرمندان دیجیتال هستند ولی هنر دیجیتال با امکانات و راهکارهای جدید امکان ایجاد زیبایی‌شناسی مختص خود را هم دارد. عصر رسانه و پارسا رسانه ای جامعه را با انبوهی از اطلاعات مواجه کرده است این وضعیت در هويت هر چیز را تغییر داده است در این عصر نظریات زیبایی‌شناسی را که وارد حوزه تجربه مخاطب با اثر هنری میشوند دچار تغییر کرده است همچنین امکانات عصر دیجیتال با ایجاد امکان نفوذ دید مخاطب عام و تأثیر بر جامعه باعث ایجاد رویکردهای جدیدی در تبیین ماهیت تجربه هنری و زیبایی‌شناسی شده است، در این عصر هنرمند میتواند با هویت‌های مختلف و در فضاهای متفاوت دست به خلق آثار متنوعی بزند از منظر دیگر فضای دیجیتالی که اثر هنری را به صورت انبوه در اختیار مخاطب قرار می‌دهد مخاطب و اثر هنری را وارد فضایی جدید می‌کند.

این برخورد با هنر و اثر هنری تجربه‌هایی متفاوت را ایجاد می‌کند که پیش از عصر دیجیتال وجود نداشته‌اند با توجه به وضعیت به وجود آمده در عصر دیجیتال به نظر میرسد در رابطه با مسائل زیبایی‌شناسی مربوط به رابطه هنرمند با اثر هنری مثل بیان هنری یا شهود هنرمند در برخی از آثار هنر دیجیتال همچون بازیهای رایانه‌ای و پویانمایی دیجیتال با ترکیب یک گروه فنی و هنری شکل میگیرند به این ترتیب نمی‌توان از شهود یک هنرمند در این آثار صحبت کرد. درنهایت برای درک بهتر تأثیرات عصر دیجیتال بر هويت و زیبایی‌شناسی هنری باید مجموعه‌ای از دانش‌ها به کاربرده شود پس از بررسی نظریات زیباییشناسی گذشته مجموعه‌ای از نظریات زیبایی‌شناسی جدید ارائه شود.

#### منابع

- برومند، خشایار: رهایی از فضای تکنولوژیک حاکم در نظریه‌ی انتقادی تکنولوژی اندرو فینبرگ، حکمت و فلسفه، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴.
- بنیامین، والتر، آدورنو، تئودور، مارکوزه، هربرت: زیبایی‌شناسی انتقادی (گزیده نوشته‌هایی در باب زیبایی‌شناسی)، مترجم؛ امید مهرگان، تهران، گام نو، ۱۳۸۴.
- بنیامین، والتر، اثر هنری در عصر بازتولید پذیری فنی آن. مترجم امید مهرگان. تهران: گام نو. ۱۳۸۸
- بویی، آندره: برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی معاصر، ترجمه فرهنگ ارشاد، انتشارات جامعه‌شناسان ۱۳۹۰.
- پال، کریستین: فناوری‌های دیجیتال به‌عنوان مدیوم، مترجم؛ خوش‌گذران حقیقی، گلاره، فصلنامه هنر شماره ۷۵ بهار ۱۳۸۷.
- پستمن، نیل؛ تکنوپولی، مترجم صادق طباطبایی، تهران، اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- پستمن، نیل؛ چگونه رسانه‌های همگانی فرهنگ را دگرگون می‌کنند، مترجم ش-ز-رستگار، اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره ۵۹، ۵۹، ۱۳۷۱.
- پیتیر، آندره: مارکس و مارکسیسم، مترجم؛ ضیال‌الدین ضیائی‌ان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۰.
- پی‌یرگوتن، ژان: تصویر دنیای دیجیتالی، مترجم؛ عامری مهابادی، علی، بیناب شماره ۹، بهمن ۱۳۸۴.
- جان ا. چاپلین، سارا، فن‌آوری‌های جدید در هنر، مترجم؛ کریمی محمد، مجله بیناب، شماره سه و چهار، ۱۳۸۲.
- رسته مقدم. آرش (۱۳۹۵). تاملی بر میراث علمی جهانی مدیریت آموزشی. دو فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی. دانشگاه شهید بهشتی